

بررسی مشارکت مدنی به عنوان یکی از ابزارهای تأمین مالی
در بانکداری اسلامی ایران
از: سعید جمشیدی کارشناس اعتباری بانک تجارت

بسمه تعالی

سیستم بانکداری اسلامی ایران در سال جاری دهمین سال فعالیت خود را پشت سر خواهد گذاشت و در این گذر همواره با مسائل و مشکلات بسیاری روبرو بوده است که تا حدود زیادی قادر بوده از عهده آنها برآید و ضمن هموار نمودن مسیر خود، روز بروز خود را در سطح بالاتری از عملکرد و کارآئی قرار دهد و تا آنجا پیش رود که به عنوان یک نظام جدید بانکی در سطح بین‌المللی مطرح گردد.

نظان بانکداری اسلامی ایران حداقل از جهات زیر حائز اهمیت می‌باشد:

- به خاطر حرمت ربا در اسلام و در نتیجه حذف آن در اقتصاد داخلی.
- انتظارات ملل مسلمان در جهت حذف ربا از نظام بانکی و گامهای برداشته شده در این مدت.

- توجه سایر ملل و مراکز اقتصادی جهان به این نظام بانکی جدید و نوپا و زیر نظر داشتن نحوه برخورد آن با مسائل اقتصادی که امروزه جهان و بخصوص کشورمان در دوران توسعه اقتصادی با آن روبرو می‌باشد.

نکات فوق سبب می‌گردد که مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای از سوی مراکز علمی -

اقتصادی کشور از جنبه‌های گوناگون در مورد نظام بانکداری اسلامی ایران صورت پذیرد تا این نظام نوپا هرچه پر بارتر به جوامع اقتصادی جهان معرفی گردد.

در این راستا و با عنایت به تجربیاتم در نظام بانکداری سنتی و نظام بانکداری اسلامی ایران و لمس مشکلاتی که همواره این نظام بخصوص در بخش تخصیص منابع و از جهت استفاده بهتر از ابزارهای تأمین مالی در این مدت با آنها مواجه بوده و به منظور دستیابی به اهداف زیر در جهت حل مشکلات تسهیلات اعطائی:

- قابلیت استفاده در کلیه بخشهای اقتصادی
- کاربرد آسان
- قابلیت تمدید
- قابلیت انعطاف از نظر سوددهی و یا بازدهی
- امکان نظارت ساده برای بانک
- به حداقل رساندن مشکل وثیقه
- توزیع عادلانه درآمد بین سپرده‌گذاران و مشتریان اعتباری بانک
- قدرت مواجهه با بحرانهای اقتصادی
- ابزاری موثر در جهت حسن اجرای نظام پولی و اعتباری

با بررسی انواع تسهیلات اعطائی به موجب فصل سوم از قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) به دنبال پاسخ این سؤال بوده که کدامین تسهیلات اعطائی در حالت کلی و بخصوص در شرایط کنونی اقتصادی دارای کاربرد عملی و قابلیت استفاده و انعطاف بیشتر در کلیه فعالیتهای اقتصادی بوده و در مجموع از سطح کارآئی بالاتری برخوردار می‌باشد و رسیدن به اهداف فوق را تسهیل می‌کند.

در این ارتباط بود که مشارکت مدنی از گروه تسهیلاتی که جنبه مشارکتی دارند به عنوان یکی از ابزارهای تخصیص منابع در قالب یک کار تحقیقی مورد بررسی قرار گرفت و ملاحظه گردید که تسهیلات اعطائی مشارکت مدنی به عنوان تأمین‌کننده قسمتی از سرمایه در گردش و یا سرمایه‌گذاری ثابت واحدهای اقتصادی در شرایط حاضر می‌تواند کاربرد نسبتاً وسیعی در کلیه بخشهای اقتصادی کشور برعهده داشته باشد و با

توجه به:

- شرایط کنونی اقتصادی کشور
- اعلام میزان سود علی الحساب پرداختی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به طور یکسان برای سیستم بانکی کشور.
- ثابت بودن نرخ سود تسهیلاتی که جنبه مبادلات، پذیرش تعهدات و انجام عمل را دارند.

سیستم بانکی این امکان را خواهد داشت تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن بیشترین انعطاف را در جهت تطبیق خود نشان دهد و در عمل بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران (سرمایه‌گذاری) منابع موکل یا سپرده‌گذاران را حفظ و حتی المقدور از کاهش ارزش سرمایه آنان جلوگیری نموده و به موقع تدابیر لازم را باجاء گذارد.

در این رابطه بررسیهای مذکور در مورد تسهیلات اعطایی مشارکتی و بالاخص مشارکت مدنی به عنوان یکی از انواع تسهیلات اعطایی در بانکداری اسلامی ایران نشان داد در صورتی که در آئین‌نامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی این تسهیلات تغییراتی به شرح پیشنهادی در اواخر سخن به وجود آید، بدون آن که به ماهیت این نوع تسهیلات خدشهای وارد شود و آن را از حالت عادی خارج سازد، قادر خواهد بود به عنوان یکی از ابزارهای تأمین مالی در بانکداری اسلامی ایران در طیف گسترده‌ای عمل نماید و پاسخگوی مسائل مطرح شده باشد.

در ادامه سخن و برای روشن شدن مطلب به طور خلاصه بدو آ به نقش مشارکت برای مبارزه با مشکلات اقتصادی طبق نظریات جدید پرداخته سپس نکاتی چند در رابطه با تسهیلات اعطایی مشارکتی به منظور شناخت بهتر آنها و قابلیت استفاده تسهیلات اعطایی مشارکت مدنی در بخشهای مختلف اقتصادی به عنوان تأمین‌کننده سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری ثابت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در انتها نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات در جهت کاربرد هرچه بیشتر این تسهیلات در شرایط اقتصادی حاضر ارائه می‌گردد. که امید است گامی هرچند کوچک در جهت تحقق اهداف نظام بانکداری اسلامی ایران باشد.

نقش مشارکت در نظریات جدید اقتصادی برای مبارزه با مشکلات اقتصادی: در عصر کنونی، اقتصاد جهان با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌باشد. از جمله دو پدیده «تورم» و «رکود تورمی» که سبب وارد آمدن ضربه‌های سنگینی به اقتصاد کشورها و موجب به وجود آمدن بحث‌های جدیدی بین دانشمندان علم اقتصاد و ارائه نظریات جدیدی برای مبارزه با آنها شده است.

از سوء جریانات این دو پدیده، به وجود آمدن بیکاریهای مزمن، افزایش قیمتها بخصوص در کشورهای در حال توسعه، بهم ریختن برنامه‌های توسعه اقتصادی با عنایت به برنامه‌های مصوب، کاهش ارزشی که در هر کشور برای سرمایه‌های نقدی اشخاص چه سرمایه‌هایی که در دست خودشان است و چه سرمایه‌هایی که به صورت سپرده با نرخ بهره ثابت (مشروط بر آن که از نرخ تورم کمتر باشد) به بانکها تودیع شده است و دهها مورد دیگر می‌باشد.

موضوعات فوق، اقتصاددانان معاصر را به فکر چاره جوئی انداخته و نظریات مختلف و جدیدی را برای از بین بردن معضلات یاد شده ارائه داده‌اند از جمله نظریه اقتصاد شراکتی مارتین. ل. ویتزمن (L. WELTZMAN)^۱ می‌باشد که با توجه به ارتباط آن با موضوع مشارکت به طور خلاصه مروری خواهد شد به بعضی از نکته نظریات این دانشمند علم اقتصاد در مورد تورم و رکود تورمی.

آقای ویتزمن عنوان می‌دارد: تاکنون اقتصاد کلان با ابزارهای خود که اجرای سیاستهای پولی و مالی چه به صورت انبساطی و چه به صورت انقباضی است، نتوانسته چاره‌گشای مشکلات فوق باشد. به طور مثال روش اساسی کاهش تعداد بیکاران و تسریع آهنگ رشد اقتصادی، تحرک بخشیدن به اقتصاد از طریق سیاستهای انبساطی پولی و مالی است، ولی سوخت و ساز و حرارتهای ناشی از این تحرک فشارهای تورمی را موجب می‌گردد که مهار آن بالمال امری مشکل و سخت خواهد بود.

از طرفی روش اساسی مهار تورم، کاهش فعالیتهای اقتصادی از طریق اجرای سیاستهای انقباضی است که این خود موجب بیکاری شدید، کندی رشد اقتصادی، کاهش

۱ - مارتین. ل. ویتزمن، ترجمه علی یاسری، اقتصاد شراکتی (مهار رکود تورمی)، موسسه بانکداری ایران سال ۱۳۶۸

بهره‌وری تولید، کسری بودجه، بحران قروض و بدهی و عدم توازن بازرگانی می‌گردد. نتیجه امر، پیدایش «ادوار تجاری در حیطه سیاست»^۱ است. بدین معنی که کشورهای با اقتصاد مختلط همراه با افراط و تفریط همانند آونگ از یک سیاست اقتصادی به متضادیه حد دیگر آن سیر می‌کنند و با ایجاد شکاف عمیق بین مردم، مانع از آن می‌شوند که جامعه بتواند به طور موثر با عوامل اصلی مشکل روبرو گردد. هر طور که حساب کنیم، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم رکود تورمی بسیار هنگفت است. بنابراین کاملاً روشن است که باید در اندیشه روشهای جدیدی برای حل این مشکل بود. اصولاً نظام اقتصادی به خودی خود نیاز به یک خانه تکانی اساسی و بازنگری مجدد دارد و تا زمانی که خود را محدود به سیاستهای کلی پولی و مالی در شیوه موجود بنمائیم، نخواهیم توانست بر رکود تورمی فائق آئیم زیرا راه حل اساسی خارج از حیطه ابزار معمولی اقتصاد کلان می‌باشد.

بعد از اشاره به مطالب فوق آقای ویتزمن ادامه می‌دهد که مشکلات مهم اقتصادی امروز ریشه در اقتصاد کلان ندارد، بلکه اساساً از رفتارها، نهادها و سیاستهای اقتصاد خرد نشأت می‌گیرد. لذا باید سعی شود به طور واقع بینانه با اصلاحات اساسی در حیطه اقتصاد خرد، و با در نظر گرفتن واقعیات سیاسی جامعه مبارزه را به اتمام رسانید. از این رو در زمره نیازهای اساسی برای بیرون آمدن از این دور تسلسل ارتقاء و بهبود کیفیت تولید، و اشتغال و بهبود نحوه تصمیم‌گیری در زمینه قیمت‌گذاری در سطح واحدهای تولیدی و کارخانجات ضروری به نظر می‌رسد.

ویتزمن ادامه می‌دهد: علت پیدایش رکود تورمی، نحوه پرداخت دستمزد به کارکنان در وضع فعلی است، به طوری که پرداخت دستمزد و یا پاداش به کارکنان فعلاً در ارتباط با یک واحد، حساب برون حوزه‌یی است (که به طور مرسوم همان پول و یا شاید شاخص هزینه زندگی می‌باشد). ارزش این واحد حساب ربطی به بنیه اقتصادی کارفرما و یا واحد اقتصادی و یا عملکرد آن ندارد، و عنوان می‌دارد «بنابراین رکود تورمی نتیجه

۱- POLITICAL BUSINESS CYCLE منظور نویسنده فراز و نشیبهای موجود در جو سیاسی کشورهاست که منشاء آن عمدتاً مسائل اقتصادی است.

اسفبار سیستم پرداخت دستمزد است که در پاره‌ای موارد در نتیجه خوش شانس‌ی و یا استفاده عاقلانه از سیاست‌های اقتصادی کلان، موقتاً کنترل می‌شود و مبارزه قطعی با آن سرانجام مستلزم اصلاحات اساسی در فرآیند اقتصادی است.

وی بر این عقیده است که برای از بین بردن این نقیصه ساختاری، پرداخت حقوق باید با شاخص مناسبی از عملکرد واحد اقتصادی مرتبط گردد، و این شاخص یا معیار می‌تواند درصدی از عواید یا منافع آن واحد اقتصادی باشد، به این ترتیب انگیزه مناسبی خود به خود ایجاد می‌شود تا با بیکاری و تورم مقابله کند.

ویترمن می‌گوید «در بسیاری از مناطق جهان امروری سیستم شراکتی مهمترین وسیله پرداخت مزد در جمع‌آوری محصولات در فعالیتهای کشاورزی می‌باشد. در مناطقی که سیستم تقسیم محصول بین مالک زمین و زارع برقرار است، مالک زمین هرگز از روی عمد کارگری را که مایل به کار است، بیکار نمی‌کند. از نقطه نظر مالک زمین مزروعی، همواره فرصتهای کاری آماده در مزرعه وجود دارد و او از تقسیم محصول بین تعداد بیشتری از کارگران مزرعه استقبال می‌کند.

نهایتاً ویترمن بر این عقیده است که می‌توانیم اقتصادی بدور از رکود تورمی داشته باشیم مشروط بر آن که اقتصاد شراکتی را به عنوان دشمن زورمند و طبیعی تورم و بیکاری بدانیم، که زمینه‌ای بسیار ساده هم دارد.

به نظر می‌رسد ویترمن بیشتر توجه خود را به مسئله دستمزد معطوف داشته و تأکید را بر نحوه پرداخت دستمزد قرار داده است. اما این امر می‌تواند جنبه‌های کلی و بیشتری را دربرگیرد و ضمن توزیع عادلانه ثروت بین اقشار مختلف جامعه از کارگر گرفته تا سرمایه‌گذار در مجموع با پدیده‌هایی به نام تورم، رکود تورمی و حتی رکود نیز مبارزه نموده و منافع اجتماعی و اقتصادی فراوانی برای جامعه دربر داشته باشد.

اساس بانکداری اسلامی ایران در بخش مهمی از تجهیز منابع و تخصیص منابع بر اصل مشارکت استوار است که منافع حاصله از محل تخصیص منابع، در ابتدا قابل تقسیم بین استفاده‌کنندگان تسهیلات اعطائی و بانک و سپس بعد از کسر حق‌الوکاله به کارگیری سپرده‌ها و رعایت سهم منابع بانک قابل تقسیم بین صاحبان سپرده در بخش تجهیز منابع

خواهد بود.

این روش از یک سوء ایجاد انگیزه برای سپرده گذاران جهت تودیع سپرده هایش به سیستم بانکی می نماید و از سوی دیگر بانک نیز به نیابت از طرف آنها با بررسی همه جانبه تقاضاهای رسیده برای اخذ تسهیلات اعتباری منابع موجود خود را ضمن هماهنگی با اجرای سیاستهای پولی و اعتباری و مالی در زمینه هائی به کار می گیرد که سود متناسبی را در طول دوره مشارکت عاید بانک نماید و متقاضی تسهیلات که خود نیز در منافع حاصله سهیم است حداکثر سعی خود را در استفاده بهینه از منابع و در نتیجه افزایش سودآوری عملیات موضوع تسهیلات اعطائی به عمل خواهد آورد.

آنچه در این روش از اعطاء تسهیلات اعتباری حائز اهمیت می باشد، از بین بردن اثرات تورم و یا رکود تورمی است. به طور مثال کاهش ارزشی که در نتیجه تورم و رکود تورمی ممکن است در سرمایه های نقدی به وجود آید، دیگر وجود خارجی نخواهد داشت، چون در صورت افزایش قیمتها، ارزش کالای سرمایه گذاری شده نیز افزایش خواهد یافت و این افزایش پس از انجام مبادله، نصیب سرمایه گذاران و مجریان خواهد گردید و از طرفی چون قبول سپرده های سرمایه گذاری از جانب بانکها بر اساس رابطه وکیل و موکل بوده و بانکها عملاً نقش واسطه و جوه را به عنوان تأمین مالی دارا می باشند و طبق شرایط نمی توانند بازپرداخت اصل اینگونه سپرده ها را تضمین نمایند. لذا در مواقع بحرانهای اقتصادی بخصوص رکود و در هنگام هجوم احتمالی سپرده گذاران برای بازپس گیری سپرده هایشان، ریسک کمتری از نظر ورشکستگی متوجه بانک خواهد بود زیرا در چنین حالاتی بانکها این امکان را دارند که منابع موجود خود را به نسبت اصل هر یک از سپرده ها از مجموع آنها بین سپرده گذاران تقسیم و پرداخت مابقی سپرده ها را موکول به وصول از جانب بانک نمایند.

در نتیجه هنگام بروز بحرانهای اقتصادی بخصوص رکود از هجوم سپرده گذاران تا حدود زیادی کاسته خواهد شد و فشار احتمالی با تعیین ضرایبی از جمله: میزان سپرده، نوع سپرده (سرمایه گذاری کوتاه مدت و یا بلندمدت) و.... بین سپرده گذاران سرمایه گذاری تقسیم خواهد شد.

نکاتی چند در مورد تسهیلات اعطائی مشارکتی:

تسهیلات اعطائی مضاربه، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت حقوقی و مشارکت مدنی تسهیلات اعطائی مشارکتی بوده و نحوه عمل به صورت مثلاً مشارکت در تأمین تمام سرمایه به صورت نقدی و کار به طور مستقل برای امر تجارت (مضاربه) و یا سرمایه، چه به صورت نقدی و یا غیرنقدی و کار به طور نسبی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم)، سرمایه به صورت زمین و یا باغات (درختان) و کار (مزارعه و مساقات). مشخصه اصلی این گروه تسهیلات اعطائی، مشخص نبودن میزان سود یا سود قطعی آنها در هنگام انعقاد قرارداد و زمان اعطای تسهیلات می‌باشد، سود آنها معمولاً بعد از اتمام کار یا عمل موضوع قرار داد و نهایتاً پس از نقل و انتقال مالکیت (اموال مشارکت) به طور قطعی مشخص و تحقق پیدا می‌کند.

نکته حائز اهمیت در این گروه از تسهیلات اعطائی، معیار پذیرش (تقاضاها در اعطای تسهیلات) از نظر سوددهی می‌باشد که جنبه پیش‌بینی دارد و نتیجتاً آن را «سود مورد انتظار» می‌نامند. در هنگام پذیرش تقاضا میزان پیش‌بینی سوددهی آنها با نرخ سود مورد انتظار مقایسه و در صورت پذیرش و انعقاد قرار داد، نسبت‌های تقسیم سود تعیین می‌گردد.

در این گونه تسهیلات تعیین سود قطعی بستگی مستقیم به عواملی نظیر وجود بازار برای محصول، انجام کار یا عمل موضوع قرارداد، سرعت عمل و بسیاری عوامل دیگر دارد که پیش‌بینی آنها در ابتدای قرارداد یا کار به طور صد در صد هیچگاه امکان‌پذیر نمی‌باشد در نتیجه ممکن است در میزان سود یا بازدهی پیش‌بینی شده نوساناتی مثبت و یا منفی به وجود آید. به همین جهت «سود» به صورت پیش‌بینی و یا مورد انتظار مطرح می‌شود.

از دیگر مشخصه‌های این دسته از تسهیلات سهم شدن مستقیم در توزیع عادلانه درآمد یا سود حاصل از عملیات موضوع مشارکت می‌باشد که همراه با نرخ ثابتی نیست و بستگی مستقیم به مدیریت صحیح موضوع مشارکت و سایر عواملی که فوقاً اشاره شده

دارد.

بدین ترتیب این گروه از روشهای اعطای تسهیلات سبب تشویق طرفین به فعالیت بیشتر در جهت تحقق اهداف موضوع مشارکت که ممکن است یک عمل تجاری، تولیدی (صنعتی، معدنی و کشاورزی)، خدماتی و.... باشد. خواهد شد که نتیجه آن سودآوری بیشتر برای طرفین خواهد بود.

حال با عنایت به توضیحات فوق در ادامه راجع به یک مورد از این تسهیلات یعنی مشارکت مدنی و نحوه کاربردش در بخشهای مختلف اقتصادی به عنوان ابزار تأمین مالی اعم از کوتاه مدت و بلندمدت سخن خواهد رفت.

کاربرد مشارکت مدنی:

در بانکداری اسلامی ایران به خاطر تنوع تسهیلات اعطایی مسئله تطبیق نیاز متقاضیان برای تأمین مالی در قالب یکی از انواع تسهیلات اعطائی از اهمیت زیادی برخوردار می باشد از آن جمله است تطبیق نیازهای کوتاه مدت و بلندمدت آنان در قالب مشارکت مدنی.

مشارکت مدنی از تسهیلاتی است که هم به عنوان تأمین کننده سرمایه در گردش به صورت کوتاه مدت و هم به عنوان تأمین کننده سرمایه گذاری ثابت به صورت بلندمدت و در کلیه بخشهای اقتصادی از جمله صنعت، معدن، کشاورزی، مسکن و ساختمان، خدمات و بازرگانی می تواند با رعایت شرایط خود مورد استفاده قرار گیرد. اما نکته حائز اهمیت نحوه تطبیق و شرایط آن در هر یک از بخشهای اقتصادی فوق می باشد که ذیلاً به طور خلاصه مطرح می گردد.

۱ - کاربرد مشارکت مدنی به عنوان تأمین کننده سرمایه در گردش:

طبق تعاریف، سرمایه در گردش عبارتست از تفاوت دارائیهای جاری و بدهیهای جاری در یک واحد اقتصادی و آن میزان منابع مالی مورد نیاز می باشد که واحد اقتصادی قادر باشد با استفاده از آن به طور مطلوب به فعالیت خود ادامه داده و آن را

استمرار بخشد.

سرمایه در گردش از اقلام گوناگون از جمله وجوه نقدی، موجودیهای جنسی و... تشکیل می‌گردد و ترکیب آن در بخشهای مختلف اقتصادی تا حدودی متفاوت می‌باشد. به طور مثال در بخش بازرگانی که فعالیت اصلی به خرید و فروش کالا خلاصه می‌شود موجودی کالا یکی از اقلام اصلی آن می‌باشد و در بخش تولید همین کالا به صورتهای مواد اولیه، کمکی، بسته‌بندی، کالای در جریان ساخت و ساخته شده و... ظاهر می‌گردد. لذا نحوه استفاده از تسهیلات مشارکت مدنی به عنوان تأمین کننده سرمایه در گردش در بخشهای مختلف اقتصادی تا حدود زیادی متفاوت خواهد بود و مسئله تطبیق آن اهمیت خاصی پیدا می‌نماید که به طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- فعالیت‌های بازرگانی:

فعالیت اصلی بخش بازرگانی را خرید و فروش کالا چه به صورت بازرگانی داخلی و چه به صورت بازرگانی خارجی (صادرات و واردات کالا) تشکیل می‌دهد، در این بخش از فعالیتهای اقتصادی سرمایه در گردش از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و یکی از اقلام مهم آن را موجودیهای کالا تشکیل می‌دهد که با بررسیهای لازم می‌توان میزان سرمایه در گردش مورد نیاز را برآورد و با مقایسه منابع موجود کمبود آن را در قالب مشارکت مدنی تأمین نمود.

برای تصمیم‌گیری در مورد شرایط مشارکت مدنی نیاز به اطلاعاتی در مورد دوره گردش کالا، پیش‌بینی سود فروش، برآورد هزینه‌های مشارکت در ارتباط با خرید کالا از جمله قیمت خرید کالا، هزینه‌های حمل و نقل، بیمه، انبارداری، بسته‌بندی و برای واردات حقوق گمرکی و سود بازرگانی، حق ثبت سفارش، هزینه‌های بانکی و...، پیش‌بینی مدت و شرایط فروش، برآورد نیاز متقاضی به منابع مالی و... می‌باشد که اطلاعات یاد شده با بررسی فعالیت موضوع مشارکت قابل دستیابی خواهد بود.

در این بخش از فعالیتهای اقتصادی و به تبع آن مشارکت مدنی بازرگانی، سود قطعی در ابتدای قرار داد مشخص نمی‌باشد و جنبه پیش‌بینی را خواهد داشت که با نرخ سود

مورد انتظار بانک با توجه به سهم منابع و مدت مشارکت مورد مقایسه قرار گرفته و نسبت تقسیم سود محاسبه و تعیین می‌گردد و سود قطعی و واقعی در خاتمه مدت مشارکت با توجه به شرایط فروش و واریز بر اساس نسبت تقسیم سود مربوطه مشخص و معلوم خواهد شد.

نمودار گردش جریان مشارکت مدنی در بخش بازرگانی به شرح زیر است:



نظارت در مشارکت مدنی بازرگانی به دو بخش نظارت بر مصرف منابع و نظارت بر برگشت درآمد حاصل از عملیات تقسیم می‌گردد.

هدف از نظارت بر مصرف منابع آن است که سرمایه مشارکت دقیقاً در رابطه با موضوع مشارکت و برای پرداخت هزینه‌های پیش‌بینی شده در حدود تعیین و اعلام شده که مبنای بررسی و محاسبات اولیه بوده مورد استفاده واقع شود و دوره مشارکت نیز به نحو مناسبی به دو دوره تهیه و تدارک کالا و عرضه و فروش آنها تقسیم گردد که مشارکت در زمان پیش‌بینی شده خاتمه یابد. نظارت از سوی بانک می‌باید اصولاً در درجه اول به طریق غیرمستقیم و با بررسی اسناد و مدارک مالی از قبیل فاکتورها، صورت هزینه‌ها، برگه‌های ورود و خروج کالا به انبار، کارت معین کالا و صورت پذیرد و به طریقی نباشد که سبب مزاحمت و ایجاد وقفه در کار مشارکت گردد که نتیجه آن طولانی شدن مدت و احتمالاً کاهش سودآوری آن باشد، مگر نحوه عمل مدیران شرکت مدنی به گونه‌ای باشد که سبب شود نظارت به صورت مستمر و حضوری صورت پذیرد.

با اعمال روش فوق بانک عملاً در یک فعالیت بازرگانی داخلی و یا خارجی شرکت نموده و در منافع آن سهم می‌گردد.

اعطاء تسهیلات مشارکت مدنی مطابق روش فوق جنبه مخصوص و یک بار استفاده را خواهد داشت در نتیجه با توجه به حجم زیاد کار شعب بانکها و تعداد بسیار متقاضیان تسهیلات اعطائی، استفاده از تسهیلات مخصوص و یک بار استفاده سبب افزایش بیش از حد کار شعب می‌شود که کنترل و اعمال نظارت را نیز مواجه با مشکل خواهد ساخت. لذا به خاطر رفع این مشکل و ساده نمودن نظارت، حداقل برای مشتریانی که در بخش بازرگانی در طول سال به طور متناوب نیاز به استفاده از تسهیلات اعطائی را خواهند داشت، این امکان نیز وجود دارد که تسهیلات مشارکت مدنی به صورت گردان و برای یک دوره معین و معمولاً یک ساله در اختیار آنان قرار گیرد.

بدیهی است که در این روش نیز در ابتداء لازم است با بررسیهای همه جانبه اطلاعات کافی را در زمینه میزان سرمایه در گردش مورد نیاز موضوع فعالیت، سهم منابع متقاضی، سهم منابع بانک، شرایط خرید و فروش کالا، هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم و در نتیجه هزینه‌های پذیرفته شده برای موضوع مشارکت، وضعیت سوددهی و.... کسب نموده و شرایط مشارکت مدنی را تعیین نمود.

در این روش می‌توان از متقاضی خواست عملیات موضوع مشارکت را به طور جداگانه ثبت و نگهداری نماید و در صورت لزوم برای اطمینان بیشتر از صحت عملیات می‌توان از خدمات موسسات معتبر حسابرسی نیز در جهت رعایت شرایط قرارداد و نحوه عمل مشارکت استفاده نمود.

در این روش با توجه به خرید و فروش تدریجی کالا و در نتیجه سودآوری آن این امکان نیز وجود دارد که در صدی از سود حاصله به طور علی الحساب و با توجه به نسبت تقسیم سود در فواصل معین مثلاً پایان هر ماه تقسیم گردد تا زمانی که مدت مشارکت خاتمه یابد و سود واقعی مشخص گردد.

در این حالت استفاده از سرمایه مشارکت در چندین نوبت در طول دوره قرارداد امکان پذیر می‌باشد و مشکلات حجم کار و نظارت نیز به حداقل کاهش خواهد یافت.

بنابراین با استفاده از تسهیلات مشارکت مدنی در بخش بازرگانی (داخلی و خارجی) بانک به طور عملی در سود ناشی از عملیات تجاری سهم خواهد بود و در نتیجه تورم تأثیر زیادی در کاهش ارزش منابع تخصیص یافته نخواهد داشت و از سوی دیگر شریک یا متقاضی با سرعت بخشیدن به گردش فعالیت تجاری خود سعی در کاهش قیمت تمام شده کالای فروش رفته با توجه به سرشکن شدن هزینه‌ها و افزایش سوددهی خود و در نتیجه بانک را خواهد داشت.

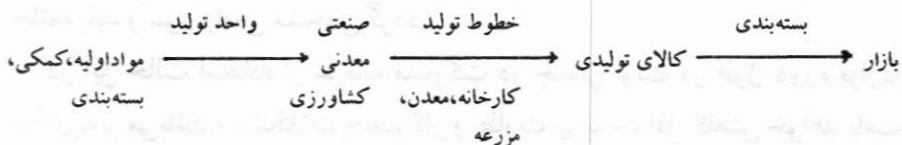
۲-۱ - فعالیتهای تولیدی:

فعالیتهای تولیدی در سه بخش صنعت، معدن و کشاورزی صورت می‌پذیرد و طبق تعریف تولید در بخش صنعت عبارتست از تبدیل شکل فیزیکی یا شیمیایی مواد اولیه به محصولات جدید اعم از این که کار با دست یا با ماشین یا تلفیقی از این دو در کارخانه یا خارج آن انجام شود و معدن نیز شامل استخراج و عمل آوردن مواد معدنی طبیعی جامدات، مایعات و گازها می‌باشد و مراحل نظیر خرد کردن، الک کردن، شستن، درجه بندی و.... را دربر می‌گیرد.

کشاورزی نیز به مجموعه‌ای از فعالیتهای تولیدی گفته می‌شود که هدف آن بهره‌برداری از عوامل طبیعی و زیستی توسط نیروی انسانی یا ماشین و یا تلفیقی از این دو به منظور تأمین نیازهای غذایی جامعه و یا تولید، مواد اولیه مورد نیاز دیگر بخشهای اقتصادی از جمله صنعت می‌باشد.

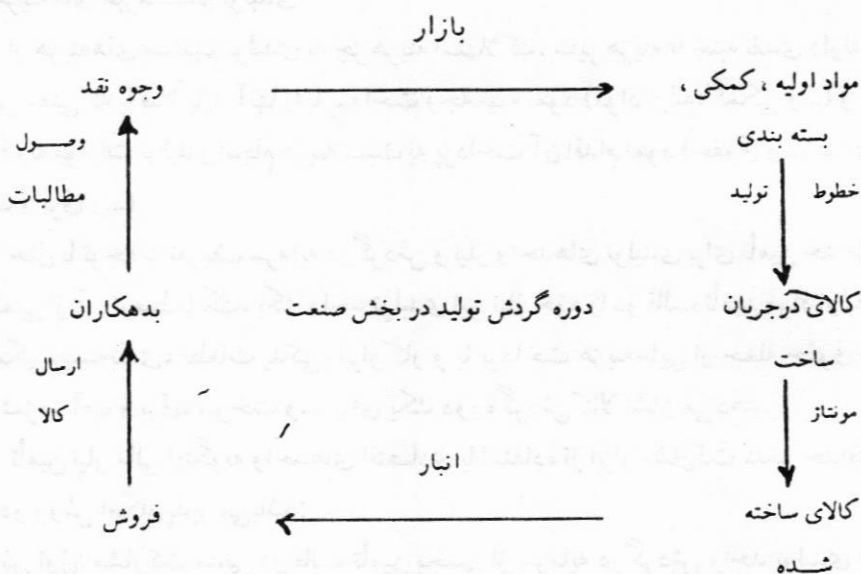
به طوری که ملاحظه می‌گردد در هر یک از موارد فوق محل تولید متفاوت می‌باشد (کارخانه، معدن، مزرعه و....) ولی نحوه عمل تقریباً یکسان و طبق روش خاصی و در مراحل مختلفی صورت می‌پذیرد.

مراحل تولید را به طور خلاصه می‌توان به شرح زیر ترسیم نمود:



با توجه به تنوع خطوط تولیدی در بخشهای یاد شده دوره گردش کالا نیز در این بخشها متفاوت می باشد مثلاً در مورد پرورش مرغ گوشتی از زمان خرید جوجه تا فروش مرغ در بازار به طول می انجامد در مورد معدن از مرحله شروع استخراج تا فروش محصولات معدنی و معمولاً دوره گردش تولید زمان بیشتری را نسبت به دوره گردش کالا در بخش بازرگانی به خود اختصاص می دهد.

در بخش صنعت این دوره شامل مراحل زیر می باشد:



با امعان نظر به موارد فوق نحوه استفاده از تسهیلات مشارکت مدنی به عنوان تأمین کننده بخشی از سرمایه در گردش فعالیتهای تولیدی با تأکید بر بخش صنعت مورد بررسی قرار می گیرد.

بخش تولید از جمله صنعت برخلاف بخش بازرگانی دارای ارزش افزوده می باشد و محصول یا محصولاتی که عرضه می گردد، اغلب کاملاً متفاوت با محصول یا محصولاتی است که در ابتدا به عنوان مواد اولیه مورد استفاده قرار گرفته، می باشد.

در یک واحد تولیدی هزینه ها عموماً از دو بخش هزینه های تولیدی و غیرتولیدی تشکیل می گردد که هزینه های تولیدی خود به دو بخش هزینه های مستقیم و غیرمستقیم

تقسیم می شود و این هزینه ها معمولاً شامل اقلام زیر می باشند:

- حقوق و دستمزد
 - مواد اولیه، کمکی و بسته بندی
 - آب، برق، سوخت و...
 - استهلاک
 - سایر هزینه های مستقیم تولیدی
 - هزینه های غیر مستقیم تولیدی
- از هزینه های مستقیم تولیدی به جز هزینه استهلاک، سایر هزینه ها جنبه نقدی دارند، بدین معنی که با قبلاً باید آنها را با پرداخت وجه تهیه نمود (مواد اولیه، کمکی و...) و یا آنکه به موازات تولید و انجام هزینه نسبت به پرداخت آن اقدام نمود (حقوق و دستمزد، آب و برق و...)

حال با توجه به تعریف سرمایه در گردش و نیاز واحدهای تولیدی برای تأمین حداقل قسمتی از آن توسط بانک، یک واحد تولیدی این نیاز خود را در قالب تأمین مواد اولیه، کمکی، بسته بندی، قطعات یدکی، ابزار کار و یا پرداخت هزینه هایی از جمله حقوق و دستمزد، آب و برق، سوخت و... برای یک دوره گردش کالا نشان می دهد.

تأمین نیاز مالی اینگونه واحدهای اقتصادی با استفاده از ابزار مشارکت مدنی حداقل از دو روش امکان پذیر می باشد:

روش اول: مشارکت مدنی در قالب تأمین بخشی از سرمایه در گردش واحد تولیدی به صورت خرید مواد اولیه، کمکی، بسته بندی مورد نیاز و سپس واگذاری سهم الشرکه بانک به صورت یکجا و یا تدریجی.

روش دوم: مشارکت مدنی کلی در قالب تأمین کلیه سرمایه در گردش مورد نیاز واحد تولیدی از ابتداء تولید تا مرحله فروش محصولات و برگشت منابع.

در زیر روش عمل هر یک مورد بررسی قرار می گیرد:

۱ - تأمین بخشی از اقلام سرمایه در گردش در قالب مشارکت مدنی:

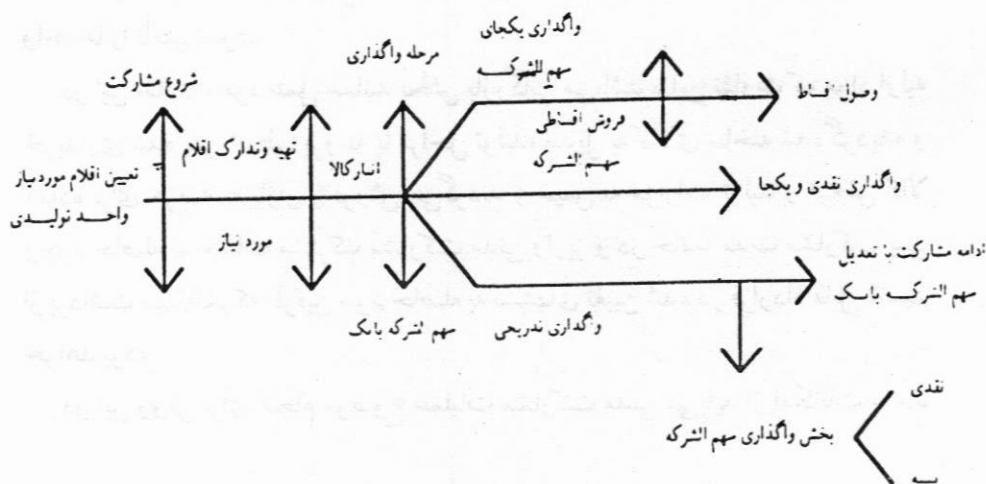
از مهمترین اقلام سرمایه در گردش در واحدهای تولیدی بخصوص صنعتی مواد اولیه، کمکی، بسته بندی، ابزار مصرفی و... می باشد که پس از استفاده در خطوط تولید

تبدیل به کالای ساخته شده گردیده و قابلیت عرضه به بازار فروش را پیدا می نمایند. بنابراین مشارکت مدنی در قالب تأمین بخشی از سرمایه در گردش مورد نیاز واحدهای تولیدی می تواند به صورت خرید مواد اولیه، کمکی، بسته بندی، قطعات و ابزار مصرفی و سایر موارد پیش بینی شده صورت پذیرد.

با این ترتیب که با توجه به نقدینگی واحد تولیدی و منابع مالی مورد نیاز برای استمرار تولید در قالب مواد اولیه، کمکی، بسته بندی و... متناسب با حجم یک دوره تولید از طریق مشارکت مدنی و با نسبت سهم سرمایه معین بانک و متقاضی (واحد تولیدی) نیازهای فوق خریداری و یا تهیه می گردد و سپس سهم شرکت بانک با توجه به دوره گردش تولید، میزان مصرف، نحوه فروش محصولات، دوره بازگشت مطالبات و نرخ سود مورد انتظار بانک ضمن ملحوظ داشتن نرخ فروش نسبه در بازار، قیمت گذاری و سپس یا به طور یکجا در قالب فروش اقساطی سهم شرکت بانک برای یک دوره گردش تولید و یا به صورت تدریجی سهم شرکت بانک به واحد تولیدی واگذار گردد.

در حالت اخیر با توجه به ظرفیت واحد تولیدی و میزان مصرف مواد در فواصل معین قسمتی از مواد خریداری را قیمت گذاری نموده و به صورت نقدی و یا نسبه کوتاه مدت و به صورت قسط واحده به واحد تولیدی به فروش رساند.

نمودار زیر نحوه عمل مشارکت مدنی را برای تأمین بخشی از اقلام سرمایه در گردش را نشان می دهد:



۲ - تأمین تمام سرمایه در گردش واحدهای تولیدی در قالب مشارکت مدنی:

همانطور که قبلاً عنوان گردید در یک واحد تولیدی اجزاء اصلی قیمت تمام شده کالای تولید شده را اقلام زیر تشکیل می‌دهد:

- مواد اولیه، کمکی و بسته‌بندی

- حقوق و دستمزد تولیدی

- سایر هزینه‌های مستقیم تولید (آب، برق، سوخت، استهلاک و...)

- هزینه‌های غیرمستقیم تولیدی

اقلام فوق شامل هزینه‌های ثابت که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در تولید سهم دارند و شامل هزینه‌هایی از قبیل هزینه‌های اداری، مالی، توزیع و فروش و متفرقه که ارتباطی به بخش تولید ندارند، نمی‌شود.

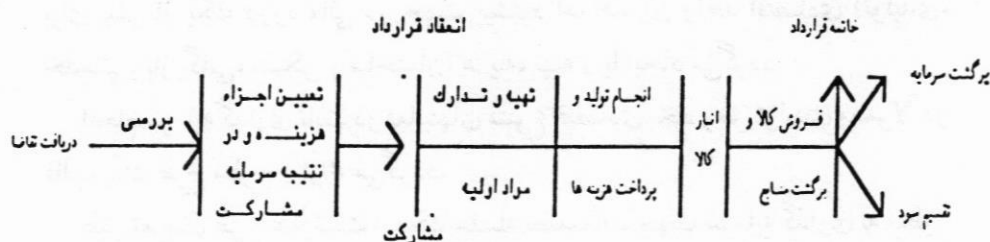
با توجه به مطالب فوق در این روش سرمایه در گردش مورد نیاز در قالب مشارکت در تولید برای حداقل یک دوره تولیدی یا یک میزان یا ظرفیت معین از تولید می‌تواند تأمین گردد. بدین ترتیب که با برآوردی دقیق از دوره گردش کالا و نیاز واحد تولیدی به مواد اولیه، کمکی، بسته‌بندی، حقوق و دستمزد تولید و سایر هزینه‌های مستقیم تولید از جمله آب، برق، سوخت و.... و تعیین سهم این بخش از تولید از هزینه‌های غیرمستقیم تولیدی، با مشارکت در تولید از مرحله تهیه و تدارک کالا تا زمان اتمام تولید و سپس فروش کالای تولیدی و بازگشت منابع بخش مهمی از نیازهای سرمایه در گردش اینگونه واحدها را تأمین نمود.

در این حالت نحوه عمل همانند بخش بازرگانی می‌باشد با این تفاوت که مواد اولیه خریداری شده پس از طی پروسه یا مراحل تولید، تبدیل به کالای ساخته شده گردیده و آماده برای عرضه به بازار و فروش می‌گردند و سپس به موازات تولید و فروش کالا وجوه حاصله به حساب مشترک مشارکت مدنی واریز و در خاتمه مدت مشارکت پس از برداشت سهم شرکت طرفین سود حاصله به نسبت‌های تعیین شده در قرارداد قابل تقسیم خواهد بود.

در این روش برای انجام موضوع عملیات مشارکت مدنی می‌باید از امکانات واحد

تولیدی استفاده به عمل آید و معمولاً به خاطر تنوع اقلام تشکیل دهنده واحد تولیدی، هزینه اینگونه واحدها بسیار متنوع بوده و امکان پیش‌بینی، برآورد دقیق و تقسیم به نسبت آن بین تولیدات مختلف از جمله تولیدات موضوع مشارکت نمی‌باشد. در نتیجه در مورد اینگونه هزینه‌ها از جمله استهلاک، هزینه‌های اداری، توزیع و فروش، خدمات و... در صورت پیش‌بینی و برآورد می‌توان آنها را در محاسبات تعیین سرمایه در گردش منظور و مابقی هزینه‌ها را با شریک مصالحه نمود و یا آن که بابت استفاده از امکانات واحد تولیدی برای دوره مشارکت مدنی اجاره تعیین و جزء هزینه‌های قابل قبول مشارکت پیش‌بینی نمود و یا آن که حق انتفاع از آنها را به طور یکجا در طول دوره مشارکت در ازاء پرداخت مبلغ معینی متناسب با هزینه‌های یاد شده و موضوع مشارکت با شریک مصالحه نمود.

نحوه عمل تأمین تمام سرمایه در گردش واحدهای تولیدی از طریق مشارکت مدنی مطابق نمودار زیر می‌باشد:



در این روش نظارت بر مصرف منابع یا استفاده از سرمایه مشارکت در مراحل تدارک اولیه، سپس در کلیه مراحل تولید و فروش تدریجی کالا یا محصولات اعمال می‌گردد. این روش از نظر نحوه عمل تا حدود زیادی مطابق با مشارکت مدنی بازرگانی می‌باشد و فقط مراحل تولید به آن افزوده می‌گردد.

در این روش نیز بانک قادر خواهد بود بخش مهمی از نیازهای نقدی و یا غیر نقدی سرمایه‌گذاری واحدهای تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی) را تأمین نماید.

۳- ۱ - فعالیتهای خدماتی:

بخش خدماتی به مجموعه‌ای از فعالیتهای اقتصادی از جمله گرو عمده رستورانها و هلتها، حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات، مؤسسات تأمین مالی، بیمه و مستغلات، شرکتهای پیمانکاری و... گفته می‌شود.

بخش خدمات جزء در مواردی محدود از جمله رستورانها، سالنهای غذاخوری و... طبیعت کارشان طوری است که به سرمایه در گردش شبیه واحدهای تولیدی نیاز ندارند و در مورد اینگونه از فعالیتهای خدماتی نحوه عمل عیناً می‌تواند مطابق روشهایی که در بخش تولید مورد بررسی قرار گرفت باشد و مشکلی را نیز ایجاد ننماید.

۲ - کاربرد مشارکت مدنی به عنوان تأمین‌کننده هزینه‌های سرمایه‌ای (سرمایه‌گذاری ثابت):

منظور از هزینه‌های سرمایه‌ای یا سرمایه‌گذاری ثابت کلیه دارائیهاییست که در یک واحد اقتصادی به منظور استفاده خود واحد اقتصادی و نه به منظور فروش مجدد حداقل برای بیش از یک دوره مالی در جهت پیشبرد اهداف آن واحد اقتصادی (تولیدی، خدماتی، بازرگانی، مسکن و ساختمان) هزینه، تهیه و یا ایجاد می‌گردد.

انجام سرمایه‌گذاری ثابت در فعالیتهای متنوع اقتصادی بخصوص تولیدی معمولاً در قالب یک طرح مطرح و ارائه می‌گردد.

طبق تعریف طرح عبارتست از یک سلسله تصمیمات جهت سرمایه‌گذاری به منظور ایجاد منبعی (یک واحد اقتصادی) که در آینده تأمین درآمد نماید و یا آن که طرح عبارت از ماحصل و نتایج تصمیمات سرمایه‌گذاری مربوط به ایجاد، توسعه و یا تعویض و تجدید ماشین‌آلات، تأسیسات و تجهیزات یک واحد اقتصادی می‌باشد.

با تعریف اخیر تأمین هزینه‌های سرمایه‌ای را می‌توان به سه بخش مجزا به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود:

الف - افزایش، تکمیل و یا تعویض ماشین‌آلات، تأسیسات و سایر تجهیزات واحدهای فعال اقتصادی جهت رفع تنگناهای تولید یا عملیاتی.

ب - طرح توسعه کلی در مورد واحدهای اقتصادی فعال جهت افزایش تولید یا ظرفیت

بهره برداری.

ج - طرحهای جدید تولیدی، خدماتی و مسکن و ساختمان.

طرحهای ارائه شده در هر یک از بخشهای اقتصادی ابتداء از جهات گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و در صورت داشتن توجیهات لازم برای اعطای تسهیلات در قالب یکی از روشهای زیر و از طریق مشارکت مدنی تأمین مالی خواهد شد.

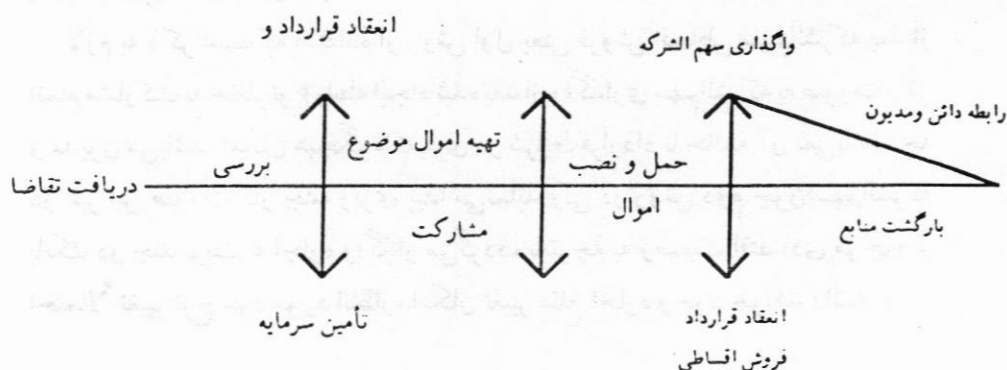
الف - افزایش، تکمیل و یا تعویض ماشین آلات، تأسیسات و سایر تجهیزات:

در مورد واحدهای اقتصادی فعال گهگاه بنا به دلایل مختلفی از جمله تنگناهای موجود، مستهلک شدن ماشین آلات، افزایش حجم فعالیت و... نیاز به تهیه ماشین آلات، تأسیسات و تجهیزات به طور موردی و محدود در بخشهای اقتصادی محسوس می باشد.

در این گونه موارد پس از آن که بررسیهای معموله حاکی از افزایش بهره وری و قدرت بازپرداخت منابع سرمایه ای استفاده شده در مدت زمان معقولی باشد امکان اعطاء تسهیلات به آن طرح وجود خواهد داشت.

در این حالت یک روش برای اعطاء تسهیلات، مشارکت مدنی برای ساخت، خرید یا تهیه اموال موضوع درخواست و سپس فروش اقساطی سهم الشرکه برای مدتی که پیش بینی به عمل آمده است طرح قادر به بازپرداخت (بازگشت) منابع مصرف شده به انضمام سود مورد انتظار بانک خواهد بود، می باشد.

نحوه عمل به شرح نمودار زیر می باشد:



در این گونه موارد استفاده از مشارکت برای کل دوران بازپرداخت و واگذاری تدریجی سهم الشرکه به خاطر آن که ماشین آلات، تأسیسات و تجهیزات موضوع مشارکت اغلب بخش کوچکی از یک مجموعه می باشد که به تنهایی در آن مجموعه نمی تواند منبع درآمد مستقلی باشد، توصیه نمی گردد زیرا وضعیت کلی واحد اقتصادی از نظر برخورد با مشارکت مدنی مبنی بر این که یا می باید حق انتفاع از آن مجموعه به شرکت مدنی صلح گردد و یا آن که به عنوان سهم الشرکه غیر نقدی جزء سرمایه مشارکت قرار گیرد که امکان عملی آن بسیار مشکل است و یا آن که باید بابت مجموعه استفاده شده اجاره تعیین و جزء هزینه های قابل قبول مشارکت منظور نمود که امکان عملی هر یک از موارد فوق به سادگی امکان پذیر نیست.

روش دیگر که امکان عملی آن بیشتر می باشد، مشارکت مدنی برای مدت تهیه و تدارک اموال و سپس دوره بازگشت منابع می باشد با این تفاوت که در مرحله تهیه یا نصب و راه اندازی ماشین آلات و تجهیزات و.... حق انتفاع از سهم الشرکه بانک را به شریک یعنی متقاضی تسهیلات با توجه به دوره بازگشت منابع و سود مورد انتظار بانک در چند مرحله و برای مدتهای معینی به اجاره و اگذار نمود.

مبالغ اجاره با توجه به قیمت تمام شده سهم الشرکه و سود مورد انتظار بانک در هر مرحله تعیین و به شریک اعلام خواهد شد و در صورتی که شریک در طول دوره بازگشت منابع به تعهدات خود از نظر پرداخت اجاره بهاء اقدام نمود، بانک سهم الشرکه خود را مجاناً و یا با دریافت مبلغی که پوشش باقیمانده قیمت تمام شده و سود بانک را بنماید به شریک واگذار نماید.

لازم به ذکر است که استفاده از روش اول یعنی فروش اقساطی سهم الشرکه بعد از اتمام مشارکت به خاطر نوع رابطه ایجاد شده بعد از واگذاری سهم الشرکه به صورت دائن و مدیون می باشد، امکان هیچگونه تغییری در شرایط قرارداد تا خاتمه آن نمی باشد، چه در غیر این صورت کار جنبه ربوی پیدا می نماید ولی در روش دوم چون سهم الشرکه بانک در چند نوبت به اجاره و اگذار می گردد، با توجه به وضعیت اقتصادی موجود و احتمالاً تغییر نرخ سود مورد انتظار، امکان تغییر مبلغ اجاره وجود خواهد داشت و در

نتیجه این روش به روش اول تا حدودی ارجحیت دارد.

ب - طرح توسعه کلی در مورد واحدهای اقتصادی فعال جهت افزایش تولید یا ظرفیت بهره‌برداری:

واحدهای تولیدی و یا خدماتی به خصوص در طول دوران فعالیت خود با توجه به نیاز بازار و جامعه به محصول و یا خدمات ارائه شده و تقاضای موجود برای عرضه آن تصمیم به اجراء طرح توسعه به منظور بالا بردن ظرفیت موجود یا تنوع بخشیدن به محصولات یا خدمات قابل ارائه گرفته و در این رابطه ضمن بررسی توانائی‌های مالی خود و کل نیاز به سرمایه‌گذاری تصمیم به تأمین کسری آن از طریق دریافت تسهیلات اعطائی بانکی می‌گیرند.

اگر طرح توسعه در قالب تهیه و تدارک ماشین‌آلات، تأسیسات و تجهیزات باشد و بدون نیاز به احداث سالن یا ساختمانهای جدید و با استفاده از امکانات موجود واحد اقتصادی، اعطاء تسهیلات مشارکت مدنی همانند مورد قبلی خواهد بود.

اما در صورتی که طرح توسعه به صورت مستقل صورت پذیرد و نیاز به احداث سالن یا ساختمان و تأسیسات جانبی داشته باشد، اعطاء تسهیلات در قالب مشارکت مدنی و سپس واگذاری سهم‌الشرکه با روشهای دیگر نیز امکان‌پذیر است که در بخش بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ج - طرحهای جدید تولیدی، خدماتی و مسکن و ساختمان:

طرحهای جدید تولیدی (صنعتی، معدنی و کشاورزی)، خدماتی و مسکن و ساختمان پس از آن که جهت تأمین منابع مالی به بانک ارائه گردیدند ابتدا از جنبه‌های فنی، اقتصادی و مالی و اعتباری مورد بررسی قرار گرفته و در صورتی که نتیجه بررسیها مثبت و حاکی از بازدهی مناسب طرح و توانائی بازگشت منابع مورد نیاز به انضمام سود مورد انتظار بانک را در یک مدت معقولی داشته باشد امکان پذیرش آن از سوی بانک با توجه به اولویتهای دیگر فراهم خواهد بود.

در یک طرح هزینه‌های سرمایه‌گذاری از اقلام گوناگونی تشکیل می‌گردد که براساس اطلاعات و بررسیهای به عمل آمده پیش‌بینی و برآورد گردیده است و معمولاً از اقلامی

نظیر «زمین، محوطه‌سازی، سالنها و ساختمانها، ماشین‌آلات، تأسیسات و تجهیزات، وسائط نقلیه، اثاثیه، دانش فنی، هزینه‌های قبل از بهره‌برداری و سرمایه در گردش ثابت طرح» تشکیل می‌گردد که برحسب برنامه زمانبندی اجرای طرح در زمانهای پیش‌بینی شده می‌باید تهیه، اجراء و یا هزینه گردد.

با مشخص شدن هزینه‌های سرمایه‌گذاری و میزان نیاز به استفاده از منابع بانکی، استفاده از تسهیلات مشارکت مدنی بهترین روش در این زمینه می‌باشد. نحوه عمل بدین صورت است که در قالب مشارکت مدنی کلی، کلیه هزینه‌های پیش‌بینی شده طرح به شرح فوق، مبنای تعیین سرمایه کلی مشارکت قرار می‌گیرد و با توجه به وضعیت طرح، توان مالی متقاضی برای تأمین بخشی از سرمایه مشارکت و میزان نیاز وی به استفاده از تسهیلات اعطائی، موضوع مشارکت و شرایط آن مشخص خواهد شد.

در طول دوران مشارکت و به موازات پیشرفت کار نظارتهای لازمه از سوی بانک معمول و با تهیه گزارشهای پیشرفت کار و ارائه صورت وضعیت هزینه‌های انجام شده سرمایه مشارکت به تدریج در اختیار مدیران شرکت قرار می‌گیرد تا واحد اقتصادی موضوعه به مرحله بهره‌برداری آزمایشی و سپس تجاری برسد. در این مرحله برای بازگشت منابع بانک حداقل دو روش کلی وجود خواهد داشت:

۱ - واگذاری یک جای سهم‌الشرکه در پایان مشارکت:

در این روش این امکان وجود دارد که در شروع فعالیت بهره‌برداری تجاری، سهم‌الشرکه بانک طبق ضوابط جاری و با توجه به نرخ سود مورد انتظار، قیمت تمام شده سهم‌الشرکه، نحوه استفاده از سرمایه و مدت مشارکت قیمت‌گذاری و ضمن مقایسه با قیمت روز آن، قیمت فروش نقدی تعیین و در صورت عدم توان خرید نقدی از سوی شریک با توجه به مدت بازگشت منابع، سود مورد انتظار بانک، قیمت فروش نسبه آن تعیین و به طور یکجا به شریک به صورت نسبه یا قطعی واگذار گردد.

در این حالت سود بانک از دو بخش دوران مشارکت و دوران فروش اقساطی سهم‌الشرکه تشکیل می‌گردد و در این حالت چون از مرحله واگذاری سهم‌الشرکه رابطه

بین بانک و متقاضی به صورت دائن و مدیون درمی آید در نتیجه دیگر امکان تغییر شرائط معامله وجود نخواهد داشت.

در نتیجه در شرایط تورمی استفاده از این روش به صلاح بانک نخواهد بود.

۲ - واگذاری تدریجی سهم الشرکه در پایان دوره اجزاء:

در این روش از واگذاری سهم الشرکه بانک نیز باید در ابتدا طبق ضوابط جاری قیمت فروش نقدی سهم الشرکه را تعیین و جهت خرید نقدی به شریک اعلام نماید و در صورت عدم توان خرید نقدی آن، مجدداً با توجه به بازدهی طرح و مدت پیش‌بینی شده برای بازگشت منابع بانک این امکان وجود دارد که سهم الشرکه بانک به تدریج به شریک واگذار گردد و به مرور سهم بانک از مشارکت کاهش یابد تا زمانی که کاملاً سهم بانک صفر گردد. بدیهی است در این حالت دوران مشارکت از دو بخش دوران اجراء و دوران بهره‌برداری تجاری تشکیل می‌گردد.

قیمت‌گذاری قسمتی از سهم الشرکه بانک برای واگذاری در دوران بهره‌برداری تجاری طبق ضوابط جاری بانک (با توجه به حداقل نرخ سود مورد انتظار و حداقل پیش‌بینی ارزش روز سهم الشرکه) صورت می‌پذیرد.

در این حالت آن بخش از سهم الشرکه که برای فروش قیمت‌گذاری شده است می‌تواند به صورت نقدی و یا نسبه به فروش برسد.

اگر فروش سهم الشرکه به صورت نسبه یا اقساطی باشد، مدت واگذاری از یک دوره مالی متجاوز نخواهد نمود و در این حالت کل سهم الشرکه در ۴ یا ۵ مرحله سالانه با توجه به پیش‌بینیهای مالی به عمل آمده در طرح واگذار می‌گردد. مثلاً اگر در ۳ مرحله صورت پذیرد در سال اول ۱/۴ در سال دوم ۱/۳ و الی آخر عمل خواهد شد.

اگر قرار باشد سهم الشرکه به صورت تدریجی ولی نقدی واگذار گردد در این حالت با توجه به بازدهی طرح سهم الشرکه بانک در هر مرحله پس از قیمت‌گذاری به صورت نقدی واگذاری خواهد شد و در نتیجه به مرور مشارکت کاهش خواهد یافت.

در حالات فوق بانک نیز در سود و زیان واحد اقتصادی مورد بهره‌برداری به نسبت

سهام‌الشرکه خود و یا به نستبی که قبلاً توافق شده است، سهم می‌باشد مگر آن که در مورد استفاده از سهام‌الشرکه بانک توسط شریک ترتیب دیگری پیش‌بینی شده باشد، مثلاً تعیین مبلغی به عنوان اجاره استفاده از سهام‌الشرکه بانک و یا واگذاری حق انتفاع از سهام‌الشرکه بانک به شریک در ازاء مبلغ معینی و... که بهر صورت می‌باید در قرارداد مشخص گردد.

استفاده از روش مشارکت مدنی و سپس واگذاری تدریجی و به صورت نقدی در هر مرحله برای بانک دارای محاسنی است از جمله مشکل جریمه تأخیر تأدیه دین را تقریباً برطرف نموده و همچنین اثرات ناشی از تورم و رکود تورمی را که همراه با کاهش ارزش پول می‌باشد تا حدودی زیادی با این طریق واگذاری خنثی می‌نماید.

نظارت بر مصرف و برگشت منابع نیز به سادگی امکان‌پذیر خواهد بود زیرا هزینه‌های موضوع مشارکت قبلاً مشخص و برآورد گردیده است و بر همین منبأ از سرمایه مشارکت استفاده به عمل می‌آید تا مرحله شروع بهره‌برداری تجاری از طرح و در این مرحله نظارت بر نحوه بهره‌برداری از طرح ادامه می‌یابد تا منابع بانک به موقع و در زمان تعیین شده برگشت شود.

خلاصه بررسیها، نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

به طوری که ملاحظه می‌گردد، مشارکت مدنی در بانکداری اسلامی ایران یکی از ابزارهای مهم تأمین مالی است که از قدرت ما نور بسیار بالائی برخوردار می‌باشد و به عنوان تأمین‌کننده سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری ثابت در کلیه بخشهای اقتصادی قابلیت استفاده دارد.

با تغییراتی در آئین‌نامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی فعلی آن می‌توان به دامنه استفاده تسهیلات مشارکت مدنی وسعت بخشید و همچنین برای اکثر سؤالات برشمرده شده جواب مناسب را داشت.

این تسهیلات مشکل تمدید را به حداقل ممکنه کاهش می‌دهد زیرا در شرایطی که بانک پیش‌بینی می‌نماید به سود مورد انتظار خود دست خواهد یافت. این امکان وجود

دارد که بدون تغییر سایر شرایط فقط مدت مشارکت را افزایش داد و یا آن که می توان در صورت توافق طرفین سایر شرایط از جمله سرمایه مشارکت و نسبت سهم الشرکه طرفین، نسبت تقسیم سود، مدت و... را تغییر داد، بخصوص در زمانی که قرار است سهم الشرکه بانک در فواصل زمانی معین قیمت گذاری و به طور تدریجی واگذار گردد، مشکل تمدید دیگر مفهومی نخواهد داشت.

با تغییراتی جزئی در آئین نامه ها و دستورالعملهای اجرایی فعلی مشارکت مدنی امکان حذف و یا به حداقل رساندن مشکل جریمه تأخیر تأدیه دین بخصوص در مورد تسهیلات اعطائی برای تأمین هزینه های سرمایه ای بلندمدت وجود دارد به این ترتیب که بانک مجاز باشد، مدت مشارکت را برای دوران اجرای طرح موضوع مشارکت و سپس دورانی که پیش بینی می گردد منابع یا تسهیلات اعطائی بازگشت خواهد شد، ادامه دهد و با توجه به موضوع مشارکت امکان واگذاری تدریجی سهم الشرکه در قرارداد پیش بینی گردد، در این روش به مرور میزان سهم الشرکه بانک در مشارکت کاهش یافته و سهم الشرکه شریک افزایش می یابد.

واگذاری سهم الشرکه در این حالت در هر مرحله می تواند به صورت نقدی و یا نسیه کوتاه مدت باشد و اگر به علل خاصی که در ابتدا قابل پیش بینی نبوده است، شریک نتواند برای یک مدت معین و قابل پیش بینی نسبت به برگشت منابع بانک از طریق خرید نقدی سهم الشرکه بانک اقدام نماید و دلیل وی نیز موجه باشد، امکان تمدید و تغییر شرایط واگذاری یا به تأخیر انداختن زمان واگذاری هر مرحله از سهم الشرکه بانک به شریک بدون آن که مشکلی را ایجاد نماید، وجود خواهد داشت زیرا در مراحل بعدی واگذاری سهم الشرکه بانک می تواند با در نظر داشتن ارزش مورد مشارکت و در نتیجه سهم الشرکه خود در واگذاری مراحل بعدی آن را با قیمت بالاتری به شریک واگذار نماید و این نحوه عمل دیگر جنبه جریمه تأخیر تأدیه دین را نخواهد داشت و چون قیمت گذاری در شرایط روز و عاده صورت می پذیرد، حتی جنبه اجحاف نیز پیدا نخواهد نمود، پس بدین ترتیب مشکل جریمه تأخیر تأدیه دین نیز تا حدود زیادی کاهش خواهد یافت.

مورد یاد شده همچنین قابلیت انعطاف مشارکت مدنی را از نقطه نظر سوددهی یا

بازدهی که در بانکداری اسلامی ایران می‌تواند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار باشد، نشان می‌دهد زیرا در مورد بسیاری دیگر از تسهیلات اعطائی بعد از انعقاد قرارداد امکان تغییر شرایط و سوددهی آن به خاطر نوع رابطه ایجاد شده بین بانک و مشتری وجود ندارد.

حداقل نرخ سود مورد انتظار در مشارکت مدنی از نظر قدرت مانور تقریباً می‌تواند جایگزین نرخ بهره در سیستم بانکداری سنتی بشود مشروط بر آن که امکان واگذاری تدریجی سهم شرکت به ترتیبی که در فوق بدان اشاره رفت، در قرارداد پیش‌بینی شده باشد.

در مشارکت مدنی چون باید موضوع مشارکت مشخص باشد و بانک نیز در حین اجراء در طول قرارداد بر انجام موضوع نظارت لازم را مبذول می‌دارد، بنابراین از نظر حسن اجرای سیاستهای پولی و اعتباری می‌تواند هماهنگ با سیاستهای پولی و اعتباری عمل نموده و حداقل نرخ سود مورد انتظار به عنوان ابزاری موثر در جهت اجرای سیاستهای انقباضی و یا انبساطی از طریق تأثیر بر حجم پول در گردش مورد استفاده قرار گیرد.

در مشارکت مدنی میزان سود بر اساس نرخ ثابتی برای طرفین و از جمله بانک نمی‌باشد و معمولاً نسبت به سهم شرکت طرفین یا نسبت دیگری که قبلاً مورد توافق قرار گرفته، خواهد بود، در نتیجه توزیع درآمد بین بانک و سایر شرکاء به طور عادلانه خواهد بود و در زمانی که به موجب قرارداد سهم شرکت بانک قرار است به طور تدریجی قیمت‌گذاری و به شریک و یا شرکاء واگذار گردد، در این حالت سهم شرکت بانک طبق ضوابط جاری و بر اساس حداقل نرخ سود مورد انتظار بانک قیمت‌گذاری و در صورتی که با قیمت‌های روز متعادل باشد به شریک واگذار می‌گردد در نتیجه توزیع درآمد به صورت عادلانه خواهد بود.

در مشارکت مدنی نظارت می‌تواند به طور ساده و آسان صورت پذیرد و بانک می‌تواند این اطمینان را داشته باشد منابع تخصیصی در جهت تعیین شده صرف گردیده است.

تسهيلات مشاركت مدني به خاطر ماهيت آن كه شراكت مي باشد و با توجه به مسئله نظارت مشكل و ثيقه را كاملاً كاهش مي دهد. تسهيلات مشاركت مدني مشكلات ناشي از نوسانات يا بحرانهاي اقتصادي بخصوص تورم و ركود تورمي را طبق شرايطي به طور محسوس كاهش و حتي در مواردی نیز خنثي مي سازد و بخصوص از كاهش ارزش سپرده ها جلوگیری نموده و با افزايش قيمتها از طريق نسبتهاي تقسيم سود عیناً درآمد ایجاد شده نصیب بانک و در نتیجه سپرده گذاران خواهد شد.

از تسهيلات مشاركت مدني برای تأمین سرمایه در گردش و بخصوص برای بخش بازرگانی می توان به صورت گردان استفاده نمود كه دارای محاسن فراواني از جمله كاهش حجم كار، نظارت ساده، برداشت سود علی الحساب در فواصل معین و.... می باشد.

بنابراین به طوری كه ملاحظه می شود، مشاركت مدني در بانکداری اسلامی ایران عقدیست بسیار فراگیر به طوری كه در کلیه بخشهای اقتصادی قابلیت استفاده داشته و با پوشش وسیعی كه دارد می تواند در صورت شناسایی كامل و به كارگیری امکانات بالقوه آن به عامل موثری در توسعه و گسترش فعالیتهای اقتصادی تبدیل گردد.

اما در حال حاضر از این ظرفیت بالقوه به دلایل مختلفی از جمله عدم شناخت کافی از توان آن، شرایط و نحوه عمل آن و تعدد دستورالعملهای اجرایی و... استفاده كاملی به عمل نمی آید.

با توجه به موارد یاد شده پیشنهاد می گردد برای افزایش قدرت کاربرد مشاركت مدني در بانکداری اسلامی ایران حداقل موارد زیر در آئین نامه ها و دستورالعملهای اجرایی مربوطه پیش بینی و به مورد اجراء گذاشته شود:

۱ - امکان افزایش مدت مشاركت مدني به میزان مدت زمان لازم برای دوران اجراء طرح موضوع مشاركت و پیش بینی مدت زمان لازم برای بازگشت منابع از محل بازدهی طرح بعد از دوران اجراء و از مرحله بهره برداری تجاری.

۲ - امکان واگذاری تدریجی سهم الشرکه بانک بعد از اتمام دوران اجراء و از مرحله بهره برداری تجاری و برای طول دوران بازگشت منابع طبق پیش بینی های به عمل آمده.

۳ - امکان واگذاری منافع سهم الشرکه بانک در دوران بهره‌برداری تجاری و به موازات کاهش سهم الشرکه بانک با واگذاری تدریجی از طریق اجاره یا صلح یا نظایر آن و تعیین مبلغ اجاره یا حق الصلح بر اساس حداقل نرخ سود مورد انتظار بانک برای طول هر دوره اجاره.

پیش‌بینی و انجام تغییرات مذکور سبب افزایش کارآئی مشارکت مدنی در بانکداری اسلامی ایران خواهد شد ضمن آن که بسیاری از مشکلات فعلی سیستم بانکداری را نیز به حداقل کاهش خواهد داد.